

تحلیل جامعه‌شناسی آموزش و پرورش: تأثیر برنامه‌های درسی دین‌محور بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان

علی کرم پور^۱، علیرضا قیاسی^۲

^۱ دکتری مدیریت و مدیر مدارس متوسطه اول (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناسی آموزش ابتدایی و آموزگار مدارس ابتدایی

چکیده

آموزش و پرورش به عنوان یکی از اساسی‌ترین نهادهای اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در انتقال ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای فرهنگی به نسل‌های جدید دارد. در این میان، برنامه‌های درسی دین‌محور به دلیل تأکید بر ارزش‌های اخلاقی، هویت فرهنگی و مسئولیت اجتماعی، می‌توانند در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان نقش مؤثری ایفا کنند. هدف پژوهش حاضر، تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر برنامه‌های درسی دین‌محور بر ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از رویکرد اسنادی و پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم مدارس دولتی در مناطق شهری و نیمه‌شهری بود که از میان آنان ۴۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه محقق‌ساخته برنامه درسی دین‌محور و پرسشنامه استاندارد سرمایه اجتماعی ناهپیت و گوشال بود. نتایج نشان داد میان آموزش مبتنی بر ارزش‌های دینی و ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی همچون اعتماد اجتماعی، مشارکت گروهی، انسجام اجتماعی و مسئولیت‌پذیری مدنی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یافته‌ها همچنین حاکی از آن بود که برنامه‌های درسی دین‌محور بیشترین تأثیر را بر تقویت احساس تعلق اجتماعی و اعتماد نهادی دانش‌آموزان دارند. در مجموع، نتایج پژوهش بیانگر آن است که آموزش دینی در صورت برخورداری از رویکرد تربیتی و اجتماعی مناسب، می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر در توسعه سرمایه اجتماعی و تقویت همبستگی اجتماعی نسل جوان عمل کند.

واژه‌های کلیدی: جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، برنامه‌درسی دین‌محور، سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت مدنی، انسجام فرهنگی، تربیت شهروندی.

مقدمه

نظام آموزش و پرورش در هر جامعه‌ای یکی از بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی به شمار می‌رود که وظیفه انتقال فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را به نسل‌های جدید بر عهده دارد. جامعه‌شناسان آموزش و پرورش معتقدند مدرسه صرفاً مکانی برای انتقال دانش علمی نیست، بلکه نهادی برای اجتماعی‌کردن افراد و آماده‌سازی آنان برای ایفای نقش‌های اجتماعی آینده است (دورکیم، ۱۳۸۳). در این میان، محتوای برنامه‌های درسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا این برنامه‌ها می‌توانند نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای اجتماعی دانش‌آموزان را شکل دهند.

یکی از انواع برنامه‌های درسی که در بسیاری از نظام‌های آموزشی، به ویژه در جوامع دینی، مورد توجه قرار گرفته است، برنامه‌های درسی دین‌محور است. این برنامه‌ها با هدف انتقال ارزش‌های اخلاقی، هنجارهای اجتماعی، تقویت هویت فرهنگی و ایجاد احساس مسئولیت اجتماعی طراحی می‌شوند. از منظر جامعه‌شناختی، آموزش دینی می‌تواند نقشی مهم در تقویت انسجام اجتماعی و افزایش همبستگی میان اعضای جامعه داشته باشد (پارسونز، ۱۹۵۹).

در دهه‌های اخیر، مفهوم سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم علوم اجتماعی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. سرمایه اجتماعی به شبکه روابط اجتماعی، اعتماد متقابل، هنجارهای همکاری و مشارکت اجتماعی اشاره دارد که زمینه تعامل مؤثر میان افراد را فراهم می‌سازد (پاتنام، ۲۰۰۰). بسیاری از پژوهشگران معتقدند سرمایه اجتماعی نه تنها در توسعه اجتماعی و فرهنگی، بلکه در توسعه اقتصادی و سیاسی جوامع نیز نقشی تعیین‌کننده دارد (فوکویاما، ۱۹۹۹).

در جامعه امروز، کاهش اعتماد اجتماعی، افزایش فردگرایی و کاهش مشارکت مدنی به عنوان چالش‌هایی جدی مطرح هستند. در چنین شرایطی، توجه به نقش آموزش و پرورش در تقویت سرمایه اجتماعی اهمیت دوچندان می‌یابد. برنامه‌های درسی دین‌محور می‌توانند از طریق تقویت ارزش‌هایی نظیر تعاون، صداقت، مسئولیت‌پذیری و احترام متقابل، زمینه شکل‌گیری سرمایه اجتماعی را در میان دانش‌آموزان فراهم سازند.

بر این اساس، پژوهش حاضر در پی آن است که با رویکردی جامعه‌شناختی، تأثیر برنامه‌های درسی دین‌محور بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان را بررسی و تحلیل کند.

بیان مسئله

تحولات گسترده اجتماعی و فرهنگی در جوامع معاصر، موجب تغییر در شیوه‌های تعامل اجتماعی و کاهش برخی ارزش‌های جمعی شده است. افزایش فردگرایی، کاهش اعتماد اجتماعی و ضعف مشارکت مدنی از جمله پیامدهای این تحولات به شمار می‌روند. در چنین شرایطی، سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر انسجام اجتماعی و توسعه پایدار، مورد توجه اندیشمندان علوم اجتماعی قرار گرفته است (کلمن، ۱۹۸۸).

سرمایه اجتماعی به مجموعه‌ای از هنجارها، شبکه‌ها و روابط اجتماعی گفته می‌شود که موجب تسهیل همکاری و تعامل میان افراد می‌شود (بورديو، ۱۹۸۶). این مفهوم دربرگیرنده مؤلفه‌هایی چون اعتماد اجتماعی، مشارکت مدنی، احساس تعلق اجتماعی و همکاری جمعی است. وجود سرمایه اجتماعی بالا در جامعه می‌تواند زمینه کاهش آسیب‌های اجتماعی، افزایش مشارکت شهروندی و تقویت همبستگی اجتماعی را فراهم کند.

یکی از مهم ترین نهادهایی که می تواند در شکل گیری سرمایه اجتماعی نقش ایفا کند، نظام آموزش و پرورش است. مدارس محیط هایی اجتماعی هستند که دانش آموزان در آن ضمن فراگیری دانش، با ارزش ها، هنجارها و شیوه های تعامل اجتماعی آشنا می شوند. در این میان، برنامه های درسی نقش محوری در انتقال ارزش های فرهنگی و اجتماعی دارند.

برنامه های درسی دین محور با تأکید بر مفاهیمی مانند اخلاق، تعاون، عدالت، نوع دوستی و مسئولیت پذیری اجتماعی، می توانند در تقویت سرمایه اجتماعی مؤثر باشند. با این حال، درباره میزان و نحوه تأثیر این برنامه ها بر ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی دانش آموزان، مطالعات کافی در ایران انجام نشده است. از این رو، مسئله اصلی پژوهش حاضر بررسی این موضوع است که برنامه های درسی دین محور چگونه و تا چه اندازه بر شکل گیری سرمایه اجتماعی دانش آموزان تأثیر می گذارند.

اهمیت و ضرورت پژوهش

سرمایه اجتماعی از مهم ترین عوامل توسعه اجتماعی محسوب می شود. پژوهش های متعدد نشان داده اند جوامعی که دارای سطح بالاتری از اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی هستند، از ثبات اجتماعی و توسعه فرهنگی بیشتری برخوردارند (پاتنام، ۲۰۰۰). در این میان، آموزش و پرورش یکی از مهم ترین بسترهای شکل گیری سرمایه اجتماعی در نسل جوان است.

با توجه به نقش محوری دین در فرهنگ ایرانی - اسلامی، بررسی تأثیر برنامه های درسی دین محور بر رفتارها و روابط اجتماعی دانش آموزان اهمیت فراوانی دارد. این پژوهش می تواند به سیاست گذاران آموزشی در طراحی برنامه های درسی مؤثرتر کمک کرده و زمینه ارتقای سرمایه اجتماعی در جامعه را فراهم سازد.

اهداف پژوهش

هدف اصلی

- بررسی تأثیر برنامه های درسی دین محور بر شکل گیری سرمایه اجتماعی دانش آموزان

اهداف فرعی

- بررسی تأثیر آموزش دینی بر اعتماد اجتماعی دانش آموزان
- بررسی نقش برنامه های درسی دین محور در مشارکت مدنی دانش آموزان
- تحلیل رابطه آموزش دینی و احساس تعلق اجتماعی
- بررسی نقش آموزش دینی در تقویت انسجام اجتماعی دانش آموزان

سؤالات پژوهش

- برنامه های درسی دین محور چه تأثیری بر سرمایه اجتماعی دانش آموزان دارند؟
- آیا میان آموزش دینی و اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد؟

- برنامه های درسی دین محور چگونه بر مشارکت اجتماعی دانش آموزان اثر می گذارند؟

مبانی نظری پژوهش

نظریه امیل دورکیم

دورکیم آموزش و پرورش را ابزاری برای انتقال ارزش ها و هنجارهای اجتماعی می دانست. به اعتقاد او، نظام آموزشی موجب شکل گیری همبستگی اجتماعی می شود و ارزش های مشترک را در میان اعضای جامعه تقویت می کند (دورکیم، ۱۳۸۳). از دیدگاه دورکیم، دین نیز نقشی اساسی در ایجاد انسجام اجتماعی دارد.

نظریه تالکوت پارسونز

پارسونز مدرسه را نهادی برای اجتماعی کردن افراد و آماده سازی آنان برای ایفای نقش های اجتماعی می دانست. وی معتقد بود نظام آموزشی با انتقال ارزش های مشترک، نظم اجتماعی را حفظ می کند (پارسونز، ۱۹۵۹).

نظریه سرمایه اجتماعی بوردیو

بوردیو سرمایه اجتماعی را مجموعه منابعی می داند که از طریق عضویت در شبکه های اجتماعی به دست می آید (بوردیو، ۱۹۸۶). به اعتقاد او، روابط اجتماعی و شبکه های ارتباطی می توانند فرصت های اجتماعی و فرهنگی را برای افراد فراهم کنند.

نظریه جیمز کلمن

کلمن سرمایه اجتماعی را عاملی برای تسهیل کنش اجتماعی می داند. او تأکید می کند که اعتماد، هنجارهای مشترک و روابط اجتماعی می توانند عملکرد اجتماعی افراد را بهبود بخشند (کلمن، ۱۹۸۸).

نظریه رابرت پاتنام

پاتنام سرمایه اجتماعی را شامل اعتماد، هنجارها و شبکه های اجتماعی می داند که همکاری میان افراد را تسهیل می کند (پاتنام، ۲۰۰۰). او معتقد است مشارکت در فعالیت های اجتماعی و مدنی موجب تقویت سرمایه اجتماعی می شود.

پیشینه پژوهش

پژوهش های داخلی

احمدی (۱۳۹۸) در پژوهشی نشان داد آموزش ارزش های دینی موجب افزایش مسئولیت پذیری اجتماعی دانش آموزان می شود.

حسینی و همکاران (۱۳۹۶) دریافتند که آموزش اخلاق دینی در مدارس تأثیر مثبتی بر اعتماد اجتماعی دانش آموزان دارد.

رضایی (۱۴۰۰) نیز نشان داد فعالیت های تربیتی مبتنی بر ارزش های دینی، مشارکت اجتماعی دانش آموزان را افزایش می دهد.

پژوهش های خارجی

فوکویاما (۱۹۹۹) در پژوهش خود بیان می کند که دین و ارزش های اخلاقی می توانند در افزایش اعتماد اجتماعی نقش مؤثری داشته باشند.

پاتنام (۲۰۰۰) نشان داد جوامعی که دارای مشارکت مدنی و ارزش های مشترک بیشتری هستند، از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردارند.

فیلد (۲۰۰۸) نیز معتقد است آموزش ارزش های اجتماعی در مدارس، یکی از مهم ترین عوامل تقویت سرمایه اجتماعی است.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی - تحلیلی است. داده ها به شیوه پیمایشی گردآوری شده اند. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دوره متوسطه دوم مدارس دولتی مناطق شهری و نیمه شهری بود. نمونه آماری شامل ۴۰۰ دانش آموز بود که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب شدند.

ابزار گردآوری داده ها شامل:

۱. پرسشنامه محقق ساخته برنامه درسی دین محور

۲. پرسشنامه استاندارد سرمایه اجتماعی ناهپیت و گوشال

برای سنجش روایی از تحلیل عاملی تأییدی و برای بررسی پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که میزان آلفا برای کل پرسشنامه ۰/۸۷ به دست آمد.

یافته های پژوهش

به منظور بررسی تأثیر برنامه های درسی دین محور بر شکل گیری سرمایه اجتماعی دانش آموزان، داده های گردآوری شده با استفاده از شاخص های آمار توصیفی و استنباطی تحلیل شد. در بخش توصیفی، میانگین و انحراف معیار متغیرهای اصلی پژوهش محاسبه شد و در بخش استنباطی، از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه برای بررسی روابط میان متغیرها استفاده گردید.

یافته‌ها نشان داد که بین برنامه‌های درسی دین‌محور و سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. به بیان دیگر، هرچه میزان تأکید برنامه درسی بر مؤلفه‌های دینی، اخلاقی و تربیتی بیشتر بوده، سطح سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان نیز در ابعادی چون اعتماد اجتماعی، مشارکت گروهی، احساس تعلق اجتماعی، انسجام اجتماعی و مسئولیت‌پذیری مدنی افزایش یافته است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش

ردیف	متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
۱	برنامه‌های درسی دین‌محور	۳/۸۷	۰/۵۶	۲/۱۰	۴/۹۵
۲	اعتماد اجتماعی	۳/۷۴	۰/۶۱	۱/۹۰	۴/۸۸
۳	مشارکت گروهی	۳/۶۹	۰/۵۸	۲/۰۰	۴/۷۹
۴	احساس تعلق اجتماعی	۳/۸۱	۰/۵۴	۲/۲۰	۴/۹۳
۵	انسجام اجتماعی	۳/۷۶	۰/۵۹	۲/۰۵	۴/۸۵
۶	مسئولیت‌پذیری مدنی	۳/۷۱	۰/۶۰	۱/۹۸	۴/۸۱
۷	سرمایه اجتماعی کل	۳/۷۴	۰/۵۲	۲/۱۴	۴/۸۶

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که میانگین متغیر برنامه‌های درسی دین‌محور برابر با ۳/۸۷ و میانگین سرمایه اجتماعی کل برابر با ۳/۷۴ است. این امر بیانگر آن است که از دیدگاه پاسخ‌دهندگان، میزان توجه به مؤلفه‌های دینی در برنامه درسی و نیز سطح سرمایه اجتماعی آنان در سطح نسبتاً مطلوبی قرار دارد. در میان ابعاد سرمایه اجتماعی، بیشترین میانگین مربوط به «احساس تعلق اجتماعی» و کمترین میانگین مربوط به «مشارکت گروهی» است. این یافته نشان می‌دهد که برنامه‌های درسی دین‌محور بیشتر در تقویت احساس وابستگی و هویت جمعی مؤثر بوده‌اند، هرچند در زمینه ارتقای مشارکت عملی و گروهی نیز تأثیر قابل توجهی داشته‌اند.

جدول ۲. ضریب همبستگی پیرسون بین برنامه‌های درسی دین‌محور و ابعاد سرمایه اجتماعی

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون با برنامه‌های درسی دین‌محور	سطح معناداری
اعتماد اجتماعی	۰/۴۸	۰/۰۰۱
مشارکت گروهی	۰/۴۲	۰/۰۰۱
احساس تعلق اجتماعی	۰/۵۴	۰/۰۰۱
انسجام اجتماعی	۰/۴۶	۰/۰۰۱
مسئولیت‌پذیری مدنی	۰/۴۴	۰/۰۰۱
سرمایه اجتماعی کل	۰/۵۱	۰/۰۰۱

بر اساس نتایج جدول ۲، بین برنامه‌های درسی دین‌محور و سرمایه اجتماعی کل دانش‌آموزان، رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد ($p = ۰/۰۰۱$, $r = ۰/۵۱$). این یافته نشان می‌دهد که با افزایش میزان توجه به مؤلفه‌های دینی و اخلاقی در برنامه درسی، سطح سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان نیز افزایش می‌یابد.

همچنین، برنامه‌های درسی دین‌محور با تمامی ابعاد سرمایه اجتماعی رابطه مثبت و معنادار دارند. در این میان، بیشترین ضریب همبستگی مربوط به «احساس تعلق اجتماعی» ($r = 0/54$) و کمترین ضریب همبستگی مربوط به «مشارکت گروهی» ($r = 0/42$) است. این امر حاکی از آن است که برنامه‌های درسی دین‌محور بیش از هر چیز در تقویت احساس وابستگی اجتماعی، هویت جمعی و تعلق به گروه و مدرسه اثرگذار بوده‌اند.

جدول ۳. نتایج رگرسیون خطی برای پیش‌بینی سرمایه اجتماعی بر اساس برنامه‌های درسی دین‌محور

متغیر پیش‌بین	ضریب بتا	t آماره	سطح معناداری
برنامه‌های درسی دین‌محور	۰/۵۱	۱۱/۲۸	۰/۰۰۱

مقدار	شاخص مدل
۰/۵۱	ضریب همبستگی چندگانه [®]
۰/۲۶	ضریب تعیین (R^2)
۰/۲۵	ضریب تعیین تعدیل‌شده
۱۲۷/۲۴	آماره F
۰/۰۰۱	سطح معناداری مدل

نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که برنامه‌های درسی دین‌محور توانایی پیش‌بینی معنادار سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان را دارند. مقدار ضریب بتا برابر با ۰/۵۱ نشان‌دهنده آن است که این متغیر تأثیر مستقیمی و نسبتاً قوی بر سرمایه اجتماعی دارد. همچنین، مقدار ضریب تعیین برابر با ۰/۲۶ نشان می‌دهد که حدود ۲۶ درصد از واریانس سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان از طریق برنامه‌های درسی دین‌محور تبیین می‌شود. معناداری آماره F نیز بیانگر مناسب بودن مدل رگرسیونی است.

این یافته تأیید می‌کند که برنامه‌های درسی دین‌محور نه تنها با سرمایه اجتماعی رابطه دارند، بلکه می‌توانند به عنوان عاملی مؤثر در تبیین تغییرات آن نیز مطرح شوند.

جدول ۴. مقایسه میانگین ابعاد سرمایه اجتماعی بر حسب میزان مواجهه با برنامه‌های تربیتی دینی

بعد سرمایه اجتماعی	گروه با مواجهه پایین	گروه با مواجهه بالا	آماره t	سطح معناداری
اعتماد اجتماعی	۳/۴۱	۳/۹۲	۶/۵۸	۰/۰۰۱
مشارکت گروهی	۳/۳۶	۳/۸۸	۵/۹۷	۰/۰۰۱
احساس تعلق اجتماعی	۳/۴۸	۴/۰۵	۷/۱۲	۰/۰۰۱
انسجام اجتماعی	۳/۴۵	۳/۹۸	۶/۳۱	۰/۰۰۱
مسئولیت‌پذیری مدنی	۳/۳۹	۳/۹۰	۵/۸۴	۰/۰۰۱
سرمایه اجتماعی کل	۳/۴۲	۳/۹۵	۶/۷۴	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد دانش‌آموزانی که بیشتر در معرض برنامه‌های تربیتی و درسی دین‌محور قرار داشته‌اند، در تمامی ابعاد سرمایه اجتماعی میانگین بالاتری نسبت به دانش‌آموزان با مواجهه کمتر دارند. این تفاوت در همه ابعاد از لحاظ آماری

معنادار است. بیشترین تفاوت میان دو گروه در بعد «احساس تعلق اجتماعی» مشاهده می‌شود که بیانگر اثر بیشتر برنامه‌های درسی دین‌محور بر تقویت هویت جمعی و وابستگی اجتماعی دانش‌آموزان است.

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد که میان برنامه‌های درسی دین‌محور و سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان رابطه‌ای مثبت، مستقیم و معنادار وجود دارد. بر این اساس، هرچه میزان توجه برنامه درسی به مؤلفه‌های دینی، اخلاقی و تربیتی بیشتر باشد، سطح سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان نیز افزایش می‌یابد. این رابطه نه تنها در سطح کلی سرمایه اجتماعی مشاهده شد، بلکه در تمامی ابعاد آن نیز معنادار بود.

بررسی شاخص‌های توصیفی نشان داد که میانگین متغیر برنامه‌های درسی دین‌محور و نیز ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی در سطح نسبتاً مطلوبی قرار دارد. در بین ابعاد سرمایه اجتماعی، احساس تعلق اجتماعی بالاترین میانگین را به خود اختصاص داد؛ امری که نشان می‌دهد دانش‌آموزان تحت تأثیر آموزش‌های دینی، احساس وابستگی بیشتری نسبت به جمع، مدرسه و محیط اجتماعی خود پیدا کرده‌اند.

نتایج آزمون همبستگی پیرسون آشکار ساخت که برنامه‌های درسی دین‌محور با اعتماد اجتماعی، مشارکت گروهی، احساس تعلق اجتماعی، انسجام اجتماعی و مسئولیت‌پذیری مدنی رابطه مثبت و معناداری دارند. در این میان، قوی‌ترین رابطه مربوط به احساس تعلق اجتماعی بود. این یافته نشان می‌دهد آموزش دینی بیش از سایر ابعاد، در تقویت حس عضویت اجتماعی، هویت جمعی و پیوند عاطفی دانش‌آموزان با محیط اجتماعی خود مؤثر بوده است.

همچنین نتایج تحلیل رگرسیون بیانگر آن بود که برنامه‌های درسی دین‌محور از قدرت تبیین معناداری در پیش‌بینی سرمایه اجتماعی برخوردارند. به عبارت دیگر، بخشی قابل توجه از تغییرات سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان را می‌توان با میزان مواجهه آنان با برنامه‌های تربیتی و درسی دین‌محور توضیح داد. این یافته دلالت بر آن دارد که آموزش دینی، در صورت طراحی و اجرای مناسب، می‌تواند یکی از متغیرهای مهم در ارتقای سرمایه اجتماعی در محیط مدرسه باشد.

از سوی دیگر، مقایسه میانگین ابعاد سرمایه اجتماعی در میان دانش‌آموزانی که با شدت بیشتر و کمتر در معرض برنامه‌های دینی قرار داشتند، نشان داد گروه اول در تمام مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی وضعیت مطلوب‌تری داشته‌اند. این تفاوت به‌ویژه در ابعاد اعتماد اجتماعی، احساس تعلق اجتماعی و انسجام اجتماعی برجسته‌تر بود. چنین نتیجه‌ای حاکی از آن است که برنامه‌های درسی دین‌محور می‌توانند به ایجاد روابط مبتنی بر اعتماد، همکاری و همبستگی بیشتر میان دانش‌آموزان منجر شوند.

در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان داد که آموزش ارزش‌های دینی نه تنها در سطح نگرشی و اعتقادی، بلکه در سطح روابط اجتماعی و رفتارهای جمعی نیز آثار معناداری بر جای می‌گذارد. این آثار در قالب افزایش اعتماد اجتماعی، تقویت مشارکت گروهی، گسترش احساس تعلق اجتماعی، ارتقای انسجام اجتماعی و افزایش مسئولیت‌پذیری مدنی قابل مشاهده است. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که برنامه‌های درسی دین‌محور، در صورت برخورداری از محتوای مناسب و شیوه‌های تربیتی اثربخش، قادرند در شکل‌دهی و تقویت سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان نقش مهمی ایفا کنند.

آموزش و پرورش یکی از مهم ترین نهادهای اجتماعی در شکل دهی شخصیت و هویت اجتماعی نسل جوان است. برنامه های درسی دین محور می توانند با انتقال ارزش های اخلاقی و اجتماعی، زمینه تقویت سرمایه اجتماعی را در میان دانش آموزان فراهم کنند.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد آموزش دینی تأثیر مثبتی بر اعتماد اجتماعی، مشارکت مدنی، انسجام اجتماعی و احساس تعلق اجتماعی دانش آموزان دارد. بنابراین، توجه به ابعاد تربیتی و اجتماعی آموزش دینی در نظام آموزشی می تواند نقش مهمی در تربیت شهروندانی مسئول، اخلاق مدار و مشارکت جو ایفا کند.

پیشنهادها

- بازنگری در محتوای برنامه های درسی دینی با تأکید بر مهارت های اجتماعی
- تقویت فعالیت های گروهی و مشارکتی در مدارس
- آموزش عملی ارزش های اخلاقی و اجتماعی
- استفاده از روش های آموزشی تعاملی در آموزش دینی
- توجه بیشتر به تربیت اجتماعی در کنار آموزش مفاهیم نظری

منابع

احمدی، محمد. (۱۳۹۸). جامعه شناسی آموزش و پرورش. تهران: انتشارات سمت.
حسینی، سیدعلی و همکاران. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر آموزش ارزش های اخلاقی بر اعتماد اجتماعی دانش آموزان. فصلنامه تعلیم و تربیت.
رضایی، حمید. (۱۴۰۰). نقش برنامه های تربیتی مدارس در تقویت مشارکت اجتماعی دانش آموزان. فصلنامه مطالعات اجتماعی آموزش و پرورش.

Durkheim, E. (۲۰۰۴). *Education and Sociology* (A. A. Kardan, Trans.). Tehran: SAMT.
Fukuyama, F. (۱۹۹۹). *Trust: The Social Virtues and the Creation of Prosperity*. New York: Free Press.
Field, J. (۲۰۰۸). *Social Capital*. London: Routledge.
Coleman, J. S. (۱۹۸۸). Social capital in the creation of human capital. *American Journal of Sociology*, 94, ۹۵-۱۲۰.
Giddens, A. (۲۰۱۴). *Sociology* (H. Chavoshian, Trans.). Tehran: Nashr-e Ney.
Nahapiet, J., & Ghoshal, S. (۱۹۹۸). Social capital, intellectual capital, and the organizational advantage. *Academy of Management Review*, 23(۲), ۲۴۲-۲۶۶.